

# سومین نشست نمایندگان ناظر در مجامع و دستگاه‌های دولتی

مورخ ۱۳۸۳/۹/۹

«موضوع: هیأت منصفه»

کد موضوعی: ۴۱۰

شماره مسلسل: ۷۲۱۲

دی ماه ۱۳۸۳

دبیرخانه هیأت نظارت



## سومین نشست نمایندگان ناظر در مجامع و دستگاه‌های دولتی

مورخ ۱۳۸۳/۹/۹

«موضوع: هیأت منصفه»

آقای جهانبخش محبی‌نیا: جلسه امروز سومین نشست نمایندگان ناظر است که به بحث هیأت منصفه اختصاص یافته است. بر اساس نشست‌های برگزار شده در مرکز پژوهش‌ها در خصوص این قانون، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که این قانون به گونه‌ای تدوین شده که هیأت‌های منصفه یا تشکیل نشوند یا اصلاً امکان تشکیل آن به ذهن متبادر نمی‌شود. در جایی مثل تهران باید ۵۰۰ نفر آن هم به قید قرعه انتخاب شوند؛ این نشان می‌دهد که به هنگام تصویب این قانون به اعتباراتی که باید اختصاص یابد یا به نحوه عمل قانون و همچنین به مسائلی مانند تجهیز منابع مربوط در استان‌ها توجه نشده است. امیدواریم که در مجلس هفتم همراه با تقنین، نظارت را نیز بتوانیم به نوعی زنده کنیم. همچنین قصد داریم منشور نظارت را برای نظام و کشور تهیه و شاید شکل قانونی هم به آن بدهیم.

عزت‌ا... یوسفیان: در اصل ۱۶۸ قانون اساسی یک ویژگی برای دو جرم قائل شده‌اند که برای سایر جرائم این ویژگی وجود ندارد. طبق این اصل رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی و با حضور هیأت منصفه است. به دنبال این اصل در سال ۱۳۵۸ قانون مطبوعات وضع شد؛ که به موجب این قانون هر دو سال یک بار در مهر



ماه، وزیر ارشاد و رئیس دادگستری مرکز استان جمعی را دعوت می‌کردند که از میان این جمع چهارده نفر به عنوان اعضای هیأت منصفه برای شرکت در دادگاه‌ها انتخاب می‌شدند. این قانون در سال ۱۳۷۹ اصلاح و تعداد اعضای هیأت منصفه در تهران بیست و یک نفر و در استان‌ها چهارده نفر تعیین شد (اصلاح دوم قانون). بر اساس این اصلاحیه به ترکیب انتخاب‌کنندگان هم تعدادی اضافه کردند. یعنی رئیس شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، نماینده ولی فقیه در مرکز استان، رئیس تبلیغات استان را هم به جمع انتخاب‌کنندگان اضافه کردند؛ و دادگاه در نوبت اول با حضور هفت نفر از هیأت منصفه رسمیت می‌یافت. در بسیاری از موارد این هفت نفر در دادگاه حاضر نمی‌شدند و لذا به دلیل عدم حضور اعضای هیأت منصفه دادگاه تشکیل نمی‌شد. متأسفانه در قانون سال ۱۳۸۲ اعضای هیأت منصفه را در تهران به طور ناگهانی از بیست و یک نفر به ۵۰۰ نفر افزایش دادند (انتخاب به قید قرعه). بر همین اساس، اعضای این هیأت در شهرهایی که جمعیت‌شان بالای ۱,۰۰۰,۰۰۰ نفر است، ۲۵۰ نفر و بقیه استان‌ها هم ۱۵۰ نفر تعیین شد. در قانون قبلی اعضا از میان نویسندگان، پزشکان، روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، آموزگاران، دبیران، سردفتران، پیشه‌وران و اصناف انتخاب می‌شدند؛ ولی در قانون سال ۱۳۸۲ هیأت باید از بین تمام صنوف انتخاب شود. وقتی جایی بخواد ۵۰۰ نفر عضو جذب کند، یقیناً پنجاه هزار نفر شرکت خواهند کرد و شرکت‌کنندگان اشخاص و افراد شناخته شده و تحصیلکرده نخواهند بود. فرض کنید پنجاه هزار نفر یا حتی بیش‌تر داوطلب شده باشند و صلاحیت‌های همه آن‌ها هم باید مورد رسیدگی قرار گیرد، آیا مثل انتخابات مجلس. باید برای آن‌ها پرونده تشکیل شود و صلاحیت تمامی آن‌ها بررسی شود؟ یا این‌که همه افراد چه آن‌هایی که صالح هستند و چه آن‌هایی که نیستند وارد قرعه‌کشی شوند و از میان آن‌ها ۵۰۰ نفر انتخاب و بعداً صلاحیت آن‌ها بررسی شود که این اصلاً شدنی نیست. به نظر می‌رسد نه روش اول و نه روش دوم عملی نیست. زیرا



برای ۵۰۰ نفری که از طریق قرعه انتخاب شده‌اند ایجاد حق شده است و مدعی می‌شوند که نباید صلاحیت‌شان بررسی شود. لذا این از جمله مشکلاتی است که خیلی خلاصه عرض کردم. مسأله مهم‌تر این که این قانون در آخر اسفند سال ۱۳۸۲ یعنی روزهای آخر مجلس ششم تصویب شده است؛ از طرف دیگر و برای این که بار مالی در بر نداشته باشد آن را به صورت طرح ارائه دادند. در قوانین قبلی آمده بود که بودجه هیأت منصفه را قوه قضاییه در ردیف‌های بودجه‌ای خود پیش‌بینی می‌کند. ولی در قانون مصوب سال ۱۳۸۲ به‌خاطر این که شورای نگهبان طبق اصل ۷۵ قانون اساسی بر آن به دلیل ایجاد بار مالی ایراد وارد نکند، گفته شده که بودجه هیأت منصفه از طریق هدایای مردم که به حساب ریاست محترم قوه قضاییه واریز می‌شد تأمین می‌گردد. هزینه‌ای که برای این دوره توسط دولت پیش‌بینی شد ۲ میلیارد تومان است. سؤال این است این ۲ میلیارد تومان را چه کسانی به حساب واریز خواهند کرد. قطعاً کسانی که در دادگستری پرونده دارند. آیا به صلاح است؛ که قوه قضاییه را درگیر گرفتن هدایا و کمک‌های مردمی کنیم. این در حالی است که از یک طرف می‌گوییم؛ قاضی نباید از اشخاص و افراد هدیه قبول کند؛ ولی از طرف دیگر در این قانون و دستورالعمل اجرایی آن آمده رئیس قوه قضاییه برای دریافت هدایای مردمی حساب شخصی باز کند. برای انتخاب اعضای هیأت منصفه در تهران سه بار باید قرعه‌کشی شود. بار اول قرعه‌کشی برای انتخاب ۵۰۰ نفر (در تهران) بار دوم قرعه‌کشی برای انتخاب ۲۱ نفر بار سوم که هر بار قبل از زمان برگزاری دادگاه یعنی قبل از وقت رسیدگی مجدداً باید انجام شود تا اعضای هیأت منصفه یک دادگاه تعیین شوند. یعنی با این قانون در عمل هیأت منصفه تشکیل نمی‌شود.

از طرف دیگر دولت هم نمی‌تواند تأمین اعتبار کند. مشکل دیگری که وجود دارد این است که اگر در قرعه‌کشی از یک صنف دو نفر انتخاب شدند، باید قرعه‌کشی دوباره تکرار شود. یعنی اگر دو نفر گچکار یا دو نفر کشاورز با هم انتخاب شدند، باز



باید دادگاه را تعطیل کرد. با این اوصاف این قانون قابل اجرا نیست. پیشنهاد ما این است که ماده واحده‌ای به‌عنوان طرح پیشنهاد شود؛ که تا تمهید مقدمات اجرای آن قانون، قانون سابق کماکان قابل اجرا باشد. زیرا در استان‌ها و شهرستان‌ها پرونده‌های مطبوعاتی به دلیل عدم تشکیل دادگاه انباشته شده‌اند.

**حجة الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی:** ما به‌عنوان قوه قضاییه و شخص بنده به‌عنوان دادستان کل کشور واقعاً علاقه‌مندیم که قانون اساسی در خصوص حضور هیأت منصفه در دادگاه‌های مربوط به جرائم سیاسی و مطبوعاتی صددرصد و دقیق اجرا شود. البته جرائم سیاسی مسائل و مفاهیم مربوط به خود را دارد و این مفاهیم تعریف شده و تحدید حدود شده نیست. اگر این جرائم تحدید حدود نشود به طور طبیعی در مقام اجرا مشکل خواهیم داشت. بنابراین یک زاویه کار این است که واقعاً مسائل مربوط به جرائم سیاسی را روشن و شفاف کنیم. زمانی که من در وزارت اطلاعات بودم دو گرایش در زمینه تدوین لایحه مربوط به جرائم سیاسی وجود داشت. تقریباً همان اختلاف نظری که در سطح کلان کشور وجود دارد در آن جا هم بود. امیدواریم که مجلس هفتم ابعاد این مسائل را بتواند به طور کامل تبیین کند.

در مورد جرائم مطبوعاتی و قانون مطبوعات مجلس ششم سه بار تصمیم گرفت که این قانون را تغییر دهد؛ ولی به دلیل مخالفت مقام معظم رهبری هر بار با مشکل مواجه می‌شدند. در حقیقت برای تغییر قانون مطبوعات قانون هیأت منصفه را مطرح کردند و جرم سیاسی را هم به آن اضافه کردند؛ که براساس آن برای جرائم سیاسی و مطبوعاتی می‌باید هیأت منصفه با این کیفیت تشکیل شود. در این قانون پس از ماده اول مسأله را مطرح کردند و هر دو جرم را با هم تلفیق کردند. البته جرائم سیاسی ممکن است واقعاً تعریف لازم داشته باشند؛ به هر حال هر روشی که برای رسیدگی به جرائم مطبوعاتی اعمال می‌شود برای جرائم سیاسی هم باید به همان روش عمل



شود. البته این بستگی به نظر قانونگذار دارد. به نظر می‌رسد روشی که در دوره ششم پیش‌بینی شد هم از نظر شکل و محتوای قانون و هم از نظر پشتیبانی‌ها و ضمانت‌های اجرایی قانون واقعاً مشکل‌زا است. اگر قانونی بخواهد عملی و عملیاتی شود، باید تسهیلات لازم و در حقیقت ابزار اجرای قانون را در اختیار قانونگذار و مجریان آن قرار دهد. قانون ابهام نداشته باشد، دچار تغییرات نشود، اجرای امور را به آیین‌نامه محول نکند، آیین‌نامه فراتر یا محدودتر از قانون نباشد، از همه مهم‌تر این که تفسیر قانون را به آیین‌نامه واگذار نکند. بنابراین قانون در این موضوعات و به خصوص موضوعاتی که در کشور جنبه‌های سیاسی یا جناحی دارد، همواره دچار چالش‌های گوناگون می‌شود. بنابراین قانون مطبوعات به لحاظ حساسیتی که دارد باید یک قانون مقدسی هم باشد. این قانون باید حرمت ارباب ادب، قلم و مطبوعات، مدیران، کارگزاران، ملت، کشور، نظام و خلاصه حرمت همه را حفظ و در عین حال باید از شفافیت لازم و دقیق برخوردار باشد؛ و قابل تعبیر، تفسیر و توجیهات غلط نباشد و اجرای آن واگذار به آیین‌نامه نشود. اجرایی باشد یا امکانات اجرایی آن در اختیار مجریان قرار داده شده باشد. این یک واقعیت است و بر هر قانونی هم این مسئله صدق می‌کند. نسبت به جرائم سیاسی هم باید همین حساسیت‌ها وجود داشته باشد. حالا ببینیم قانونی که مجلس ششم در سال ۱۳۸۲ به‌عنوان اصلاح قانون هیأت منصفه تصویب کرده است، چه هست. لذا ابتدا سیر تاریخی آن را بررسی می‌کنیم. همان‌طور که می‌دانید هیأت منصفه از سال ۱۳۰۷ در قانون مطرح شده است. در سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ در رابطه با مطبوعات قانونی تصویب شد با کیفیتی مشابه قانون هیأت منصفه، سپس در سال ۱۳۳۴ تا حدودی کامل‌تر شد. بعد از انقلاب در سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب برای رسیدگی به جرائم مطبوعاتی مصوبه‌ای را گذراند که همان مرجع بوده است. بعد از آن در سال ۱۳۶۴ مجلس قانون مطبوعات را تصویب کرد؛ اما در همان زمان می‌باید در قانون مطبوعات نسبت به قانون هیأت منصفه



معارض می‌شدیم که نشدیم. شاید هم ملاحظه شورای نگهبان و دیگران را می‌کردیم به هر حال در آن زمان به نظر می‌رسید همان قانونی که شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ تصویب کرده کافی است و دیگر نیازی به تصویب قانون هیأت منصفه نیست. در سال ۱۳۷۹ در مجلس پنجم قانون مطبوعات مجدداً تصویب و هیأت منصفه نیز در آن منظور شد.

به هر حال قانون تصویب شده در سال ۱۳۷۹ جمع‌بندی کاملی بود از مجموع عملکردهای حدود ۲۰ سال قبل از انقلاب و آنچه که در سال ۱۳۵۸ تصویب شده بود و مجموعه چالش‌هایی که در زمینه تشکیل هیأت منصفه و دادگاه مطبوعات وجود داشت. هدف از تصویب این قانون این بود که قانونی وضع شود که قابل اجرا باشد؛ دچار نوسان‌های سیاسی نشود؛ قانون اساسی به طور کامل اجرا شود و از همه مهم‌تر این‌که قانون دچار تغییرات پی در پی نشود. در جرائم مطبوعاتی و جرائم سیاسی هیأت منصفه به عنوان افکار عمومی باید حضور داشته باشد؛ تقریباً از عصر مشروطیت تاکنون این مسأله در کشور پذیرفته شده است. اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطیت و اصل ۱۶۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی در خصوص هیأت منصفه است. حالا این قانون از هر کجا که اخذ شده باشد؛ به هر حال اصل هیأت منصفه و این که نماینده افکار عمومی است؛ را پذیرفته‌ایم اما شیوه انتخاب نمایندگان افکار عمومی باید مبنای روشن و درستی داشته باشد؛ مانند انتخابات مجلس شورای اسلامی یا خبرگان در حقیقت یک فرایند دو مرحله‌ای است. برای انتخاب نمایندگان افکار عمومی نباید به ارائه یک فراخوان عمومی بدون تعیین و تعریف شرایط اقدام کرد. بلکه نمایندگان افکار عمومی را باید با شیوه‌ای خاص و تخصصی انتخاب و از آن‌ها درخواست شود تا این کار را بپذیرند. به نظر می‌رسد شیوه‌ای که برای انتخاب هیأت منصفه در این قانون تعیین شده برگرفته از قانون انگلیس است. در آن‌جا از میان کسانی که حق شرکت در انتخابات نمایندگان شورای شهر یا شهرداری‌ها یا



پارلمان را دارند و در این انتخاب شرکت می‌کنند انتخاب می‌کنند. در این سیستم تمام افرادی که سن آن‌ها از ۱۸ سال کم‌تر و از ۷۰ سال بالاتر نباشد را در یک لیست کامپیوتری حفظ می‌کنند و از میان آن‌ها تعدادی را انتخاب می‌کنند و آن‌ها موظف هستند به عنوان هیأت منصفه یا هیأت ژوری در دادگاه حضور داشته باشند. این افراد یک هفته در اختیار دادگاه خواهند بود؛ و کلیه وسایل و امکانات رفاهی آن‌ها تضمین شده است. در این لیست ارتشی‌ها، روحانیون، قضات و کادر قضایی نمی‌توانند حضور داشته باشند. در جمهوری اسلامی ایران اگر بخواهیم به این شیوه عمل کنیم برای اجرای این برنامه در بودجه سال آینده باید حداقل ۱۰۰ میلیارد تومان بودجه در نظر بگیریم. بر اساس ماده (۴) قانون هیأت منصفه این هیأت باید دارای شرایط زیر باشند:

۱. دارا بودن تابعیت جمهوری اسلامی ایران، ۲. مسلمان باشند، ۳. داشتن التزام عملی به قانون اساسی، ۴. داشتن حداقل ۳۰ سال سن، ۵. عدم محرومیت از فعالیت‌های اجتماعی (که حالا خیلی هم تعریف روشنی ندارد)، ۶. داشتن حداقل دیپلم متوسطه یا معادل آن در علوم حوزوی. شش شرط منظور شده در این ماده در مورد همه اعضا هیأت منصفه باید بررسی شوند تا مشخص شود که آیا دارای این شرایط هستند یا نه.

در تهران باید ۵۰۰ نفر که دارای این شرایط باشند به قید قرعه به عنوان هیأت منصفه انتخاب شوند که در واقع هیأت منصفه بالقوه هستند نه بالفعل. از میان این تعداد باید ۲۱ نفر برای هر دادگاه انتخاب شوند. این ۲۱ نفر با چه ضمانت اجرایی باید در دادگاه حاضر شوند. تنها ضمانت اجرایی این است که اگر ۳ یا ۴ جلسه در دادگاه حاضر نشوند محروم می‌شوند. بحث دیگر تأمین بودجه این هیأت است. آیا تأمین آن واقعاً از طریق هدایای مردمی عملی است. آنچه مهم است این که آیا احراز شرایط باید قبل از قرعه‌کشی باشد یا بعد از آن؟



از طرف دیگر باید مسائلی چون پرداخت یا عدم پرداخت حقوق به اعضای هیأت روشن شود. آیا این افراد باید از اداره خود مرخصی بگیرند یا نه؟ اصلاً این‌ها با چه مکانیسمی باید در دادگاه حاضر شوند؟ هیچ کدام از این‌ها در این قانون پیش‌بینی نشده است. بنابراین نیاز است که مجلس هفتم یک اقدام جدی در این زمینه انجام دهد. بر اساس برآورد دولت و معاونت اجرایی قوه قضاییه اعتبار مورد نیاز بسیار سنگین است. بنابراین تا این قانون تکمیل و نهایی شود و ماده واحده‌ای گذرانده شود؛ لااقل قانون قبلی در زمینه هیأت منصفه به قوت خود باقی باشد.

**آقای سعید مرتضوی:** بعد از انقلاب اولین قانون مربوط به مطبوعات لایحه قانونی شورای انقلاب است که در سال ۱۳۵۸ تصویب شد و تا فروردین سال ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی مصوبه‌ای در رابطه با هیأت منصفه نداشته است. (قانونی که توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسیده باشد). در سال ۱۳۶۴ وقتی که مجلس شورای اسلامی اصلاحیه قانون مطبوعات را در دستور کار قرار داد (در واقع قانون مطبوعات را اصلاح کرد) وقتی به موضوع هیأت منصفه رسید به هر طریقی که خواست عمل کند دچار مشکل می‌شد. بنابراین قانونگذار در سال ۱۳۶۴ صلاح را بر این دید که به جای حل مسأله، صورت مسأله را پاک کند و اساساً وارد بحث هیأت منصفه نشود. یعنی در اصلاحیه سال ۱۳۶۴، قانون مطبوعات اصلاح شد، ولی هیأت منصفه ارجاع داده شد به همان لایحه قانونی سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب و این قانون تا سال ۱۳۷۹ ادامه داشت. قانون شورای انقلاب مشکلات عدیده‌ای داشت. اما تا زمانی که بعضی از دست‌اندرکاران هیأت منصفه وابستگی صددرد سیاسی نداشتند و یکسری تصمیم‌های جناحی و حزبی پشت سرشان نبود، کژدار و مریض و با وجود نواقص زیادی که داشت، کارش را انجام می‌داد و به بن بست نرسیده بود. ولی در دوره آقای مهاجرانی، افرادی که تعیین‌کننده هیأت



منصفه بودند به این نتیجه رسیدند که فضای موجود به نفع آن‌ها نیست؛ و چنانچه روزنامه‌ای مطلب کذب بنویسد، یا بر کسی افتزایی وارد کند، یا مطالب مجرمانه بنویسد؛ بلافاصله دادگاه احضارش می‌کند و با تشکیل جلسه علنی که با حضور ارباب جرائد، خبرنگارها و در معرض افکار عمومی تشکیل می‌شود در واقع مطالب مجرمانه او رصد می‌شود؛ به این نتیجه رسیدند که این به نفع‌شان نیست و مردم احساس می‌کنند؛ که این‌ها دروغ گفته‌اند و به شخصیت‌های نظام افترا زده‌اند و به نوعی تصمیم گرفتند که اساساً هیأت منصفه را تعطیل کنند؛ بدون توجه به این‌که دادگاه مطبوعات بدون حضور هیأت منصفه اصلاً معنا ندارد. در واقع محاکمه بدون حضور هیأت منصفه هم تعطیل می‌شود. گروهی تنها هدف و انگیزه‌شان این بوده که هیأت منصفه اصلاً تعطیل باشد و رسیدگی به جرائم مطبوعاتی به صورت علنی صورت نگیرد. اما از یک طرف شعار هیأت منصفه بدهند و از طرف دیگر در عمل کاری کنند که با بن بست روبه‌رو شود.

بررسی برخی دادگاه‌های مطبوعات در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها به دلیل عدم حضور هیأت منصفه تشکیل نشده‌اند. قانون مطبوعات صراحتاً اعلام کرده که چنانچه هیأت منصفه و اعضایش بدون عذر موجه در جلسه دادگاه حاضر نشوند قاضی دادگاه باید آن‌ها را اخراج و به مدت دو سال از عضویت در هیأت منصفه محروم کند. قانون انتخاب و دعوت از هیأتی که باید هیأت منصفه را تعیین کند به عهده وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گذاشته بود و چون هیچ ضمانت اجرایی هم در قانون پیش‌بینی نشده بود این‌ها عملاً یک سال هیأت منصفه را تعطیل کردند؛ و اصلاً نه جلسه‌ای و نه انتخاباتی برگزار کردند و نه هیأت منصفه‌ای تعیین و به دادگاه معرفی کردند. در قانون سال ۱۳۵۸ آمده بود که هیأت منصفه ۱۴ نفر مرکب از ۷ نفر اصلی و ۷ نفر علی‌البدل باشد. ولی مشخص نکرده بود که دادگاه باید از هر ۱۴ نفر دعوت کند یا از ۷ نفر اصلی؛ آیا ۷ نفر علی‌البدل هم می‌توانند بیایند یا نه، اصلاً



بحث علی‌البدل یعنی چه، این را اصلاحیه سال ۱۳۷۹ حل کرد و همه را عضو اصلی اعلام کرد و نتیجه را به اکثریت آرا موکول کرد. ولی مشخص نکردند که در صورت اعلام رأی مساوی در مجرم بودن یا نبودن تکلیف دادگاه چیست؟ زیرا در این حالت دادگاه به بن بست می‌رسد. اصلاحیه سال ۱۳۷۹ در رابطه با هیأت منصفه برخی ایرادات و اشکالات را رفع کرد. در صورتی که وزیر ارشاد هر دو سال یک بار آن هیأت را دعوت نکرد و هیأت منصفه را تشکیل نداد؛ رئیس کل دادگستری استان مربوطه جایگزین وزیر می‌شود و این کار را انجام می‌دهد تا هیچ نهاد قانونی آن هم نهادهی به این اهمیت که در قانون اساسی آمده معطل و تعطیل نباشد. در آخر دوره مجلس ششم شاهد تصویب قانونی بودیم که اساساً مربوط به جرائم سیاسی بود. یعنی قانون برای جرائم سیاسی تصویب شده بود ولی آمدند یک تبصره و بند به آن اضافه کردند که به جرائم مطبوعاتی هم با همین هیأت منصفه رسیدگی شود و با این کار کلاً هیأت منصفه را تعطیل کردند. همان انگیزه و اراده سیاسی که پشت تعطیلی هیأت منصفه به مدت یک سال بود؛ مواد را به نحوی تنظیم کرد که اصلاً امکان عملی برای تشکیل دادگاه مطبوعاتی و حضور هیأت منصفه نباشد؛ به همین دلیل بیش از یک سال است که دادگاه‌های مطبوعاتی کلاً تعطیل است. به هر حال آنچه مطرح و مسلم است و آیت‌... دری نجف آبادی هم به آن اشاره کردند این است که موضوع هیأت منصفه از سایر کشورها گرفته شده است (کشورهای اروپایی). هیأت منصفه به شکل موجود در شرع مقدس اسلام و سوابق قضایی ما وجود نداشته است. البته در محاکماتی که اسلامی و شرعی بوده تشابهاتی وجود دارد. مثلاً ذکر شده که اگر دعوایی مطرح بود که جنبه تخصصی داشت یا مهم بود تعدادی از فضلا و علما در جلسه قضایی و دادگاه حاضر می‌شدند.

آن موقع برای تسریع در رسیدگی و روشن شدن بیش‌تر قضیه بوده که جریان رسیدگی روان‌تر انجام شود؛ تا محاکمه به بن بست نرسد. تشکیل هیأت منصفه در



انگلستان از این جا نشأت گرفته که وقتی فردی جرمی مرتکب می‌شد ده نفر از اقوام آن فرد سوگند می‌خوردند که این فرد بی‌گناه است. به تدریج اقوام جای خود را به معتمدان محلی داد. یعنی معتمدان محل سوگند می‌خوردند. بعد همین معتمدان محلی مبنای تشکیل هیأت‌های منصفه در انگلستان شد. در خصوص اعلام نظر هیأت منصفه اول اتفاق آرا بود و بعد اکثریت آرا شد. در انگلستان وقتی که بحث هیأت منصفه مطرح شد؛ قانونگذار تمهیدات لازم را به عمل آورد که به هیچ وجه دادگاهی معطل نمی‌ماند. در این کشور تمام کسانی که در انتخابات دولتی، محلی و پارلمانی شرکت می‌کنند و حق رأی دارند به معنای بلوغ این افراد است. لذا از سال ۱۹۸۱ از میان این افراد و از طریق کامپیوتر قرعه‌کشی می‌کنند و ۱۲ نفر را به عنوان اعضای هیأت منصفه انتخاب می‌کنند تا در دادگاه‌ها حضور داشته باشند. در واقع عین خدمت سربازی اجباری است. قانونگذار گفته شهروندی که حق رأی دارد وقتی دادگاه قرعه‌کشی کرد و فرد انتخاب شد او ملزم به شرکت در جلسه دادگاه است؛ و اگر شرکت نکند مجازات‌های سنگین و محرومیت‌های سختی در انتظار اوست. آیا در کشور ما هم این‌گونه است؟ نه. حضور هیأت منصفه در دادگاه‌های ما افتخاری است. بحث دیگر این‌که آیا قانونگذار امکانات و تسهیلات لازم برای اعضای هیأت منصفه فراهم کرده است. هر شخصی که به عنوان عضو هیأت منصفه انتخاب می‌شود یک هفته باید در اختیار دادگاه باشد، در این مدت باید دستمزد و کلیه هزینه‌های فرد به او پرداخت شود؛ تا دستگاه قضایی معطل نماند. آنچه مسلم است در حال حاضر محاکم قضایی در حوزه مطبوعات به دلیل عدم حضور هیأت منصفه تعطیل هستند. مجلس شورای اسلامی باید این قانون را احیا کند تا دستگاه قضایی توانایی برگزاری دادگاه و احقاق حق را داشته باشد. به هر حال شأن اولیه مطبوعات فرهنگی است نه سیاسی به همین دلیل در این جا بحث فرهنگ‌سازی مطرح است و بحث احزاب و سیاست ثانویه است. در مجلس ششم هیأت منصفه را از قانون مطبوعات جدا و به جرائم



سیاسی وصل کردند. استدعایی که از شما داریم این است که با تصویب ماده واحده‌ای این هیأت منصفه برای جرائم سیاسی باشد و در رابطه با مطبوعات همان قانون سال ۱۳۷۹ اجرا شود.

**آقای صارمی:** مطالبی که آقای مرتضوی مطرح کردند دقیقاً همان مطالب و مشکلاتی هستند که در طول این پنج - شش سال در قوه قضاییه با آن برخورد داشتیم. نکته بسیار مهم این است که در دادگاه مطبوعات نقاب از چهره بسیاری از افراد کشیده می‌شود. اذهان عمومی فقط سیر رسیدگی در دادگاه را تعقیب می‌کنند؛ اما در آن جا مسائل بسیاری روشن می‌شود.

مطبوعات در کشور ما کار سیاسی می‌کنند. در حال حاضر قریب ۳۰۰۰ نشریه که مجوز فعالیت هم دارند در سطح کشور منتشر می‌شود. بعضی از نشریات تیراژ روزانه آن‌ها ۷۰۰،۰۰۰ شماره است. این در حالی است که این نشریات بر روی اینترنت هم هستند و تمام دنیا به این نشریات دسترسی دارند.

از سال ۱۳۷۶ روند اعطای مجوز رشد چشمگیری داشته است. طبق آمار قریب سه هزار مجوز داده شده و روند اعطای مجوز فعالیت به نشریات سیر صعودی خود را طی می‌کند. آمار پرونده‌ها کاهش یافته؛ اگر در سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ برای پرونده‌های ۱۰۰ تا شاکی داشتیم الان به آن شکل نیست. کل پرونده‌هایی که سال گذشته به دادگاه کیفری استان تهران رسیده ۹۰ فقره بوده که برای ۸۷ فقره آن در سال گذشته حکم صادر شده است. اما از ۱۳۸۳/۲/۱۸ با لازم‌الاجرا شدن این قانون متأسفانه دادگاه مطبوعات تعطیل شده است.

در طول ایامی که ما در دادگاه کیفری استان بودیم بدون استثنا یک جلسه هم به خاطر به حد نصاب نرسیدن اعضا هیأت منصفه تعطیل نشد. سال گذشته به ۸۸ فقره پرونده رسیدگی و برای ۱۴ فقره حکم محکومیت صادر شد. بعضی از مدیران مسئول



۳ تا ۴ اتهام داشتند؛ که هیأت منصفه در یک مورد آن‌ها را مجرم شناخته است. انتظار این است که نمایندگان مجلس با تدبیری که اتخاذ خواهند کرد؛ دادگاه مطبوعات را از این بن بست خارج کنند.

**آقای علی دانش منفرد:** ذکر دو نکته لازم است یکی این‌که قانون تعطیل شده و هیأت‌های منصفه تشکیل نمی‌شوند؛ و لذا حق مردم تضییع می‌شود؛ و اجرای یک اصل قانون اساسی هم را کد مانده است. دوم به نظر می‌رسد در این جلسه باید یک راه حل عملی پیدا کنیم. اگر لازم است در این جلسه هیأتی تشکیل شود و با سرعت ماده واحده را تنظیم و با قوه قضاییه هم هماهنگی شود تا این قانون زودتر به مرحله اجرا درآید.

**آقای رسول‌نژاد:** در مورد تیراژ باید بگویم که آمارها، قریب به اتفاق غیرواقعی است. یعنی این آمارها اغلب برای دریافت سهمیه کاغذ بیش‌تر است. در ابتدای مجلس ششم طرحی در مجلس مطرح شد که با حکم حکومتی مقام معظم رهبری متوقف شد. قانون فعلی در آخرین روزهای مجلس ششم یعنی در اسفند ماه سال ۱۳۸۲ تصویب شد. باید بگویم حتی اگر بار مالی این قانون هم تأمین شود اصلاً زمینه اجرا ندارد. در اواخر مجلس ششم قانونی تصویب شد که باعث تعطیلی دادگاه مطبوعات شد. پیشنهاد می‌کنم که در قالب یک طرح یک فوریتی در اسرع وقت این قانون اصلاح شود.

**حجة الاسلام و المسلمین دری نجف‌آبادی:** می‌توان با تنظیم متنی مبنی بر این‌که تا احراز شرایط لازم برای اجرای قانون هیأت منصفه مصوب مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی، قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۱ به قوت خود باقی است. باید شیوه و نحوه اجرای این قانون اصلاح شود. همچنین باید ابهامات موجود در



آیین‌نامه و ناهماهنگی بین آیین‌نامه و قانون رفع شوند. یکی از عمده‌ترین مشکلات تأمین بودجه برای هیأت منصفه است که باید حل شود.

**آقای سیدمحمدرضا میرتاج‌الدینی:** سه راه برای حل این مشکل پیش‌بینی می‌شود.

۱. ارائه طرح یک فوریتی با این مضمون: برای این‌که دادگاه مطبوعات تعطیل نشود حداکثر تا یک سال قانون قبلی قابل اجرا باشد، تا تمهیدات و مقدمات لازم برای تأمین اعتبار به عمل آید.
۲. پیشنهاد یک ماده واحده که ضمن آن هیأت منصفه جرائم مطبوعاتی از هیأت منصفه جرائم سیاسی جدا شود. مصوبه سال ۱۳۸۲ یعنی قانون جدید مختص جرائم سیاسی و قانون قبلی (قانون سال ۱۳۷۹) برای جرائم مطبوعاتی باشد.
۳. تعریف جرم سیاسی.

**آقای سعید مرتضوی:** نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که قانون مطبوعات یکی از قوانین مهم و اساسی هر کشوری است و این قانون نباید به‌گونه‌ای باشد که هر سال دستخوش تغییرات شود. در همین رابطه مثالی می‌زنم؛ در فرانسه به قوانینی استناد می‌کنند که مربوط به چهل یا سی و پنج سال پیش است؛ یعنی قوانین مطبوعاتی آن‌ها از دوام و قوام خیلی خوبی برخوردار هستند. بنابراین باید به‌گونه‌ای عمل کنیم که هر سال قانون مطبوعات دچار تغییرات نشود. آنچه تجربه نشان داده این است که خود مطبوعات الان معترض قانون سال ۱۳۷۹ نیستند و صددرد به نفع مطبوعات است؛ منتها اگر ما از لحاظ اطلاع‌رسانی درست عمل نکنیم و افکار عمومی را نسبت به این موضوع آگاه نکنیم جو علیه مجلس خواهد بود. براساس قانون مطبوعات سال ۱۳۷۹ و آمار موجود ۱۰۰ پرونده مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند. که هیأت منصفه مقرر در این قانون رأی به تبرئه ۹۰ پرونده داده‌اند؛ و ده پرونده



محکوم شده‌اند. از این ده پرونده ۹۰ درصد از آن‌ها را مستحق تخفیف دانسته‌اند. بنابراین اگر مجلس هفتم واقعاً اعتقاد دارد که قانون جدید به ضرر مطبوعات است؛ همان قانون قبلی را احیا کند. دومین نکته این‌که وجود یک قانون متزلزل واقعاً به صلاح و مصلحت کشور نیست. نکته سوم این است که بسیاری از مطبوعات توقیف موقت شده‌اند، تکلیف این گروه باید مشخص شود. پیشنهاد من این است که هیأت منصفه از قانون فعلی منتزع شود و به عهده قانون سال ۱۳۷۹ گذاشته شود، زیرا شأن مطبوعات اقتضا می‌کند که اجزای رسیدگی به جرائم آن‌ها از خود قانون مطبوعات انتخاب شود؛ و از یک قانون سیاسی انتخاب نشود.

#### جمع‌بندی

قرار شد کمیته‌ای مرکب از آقایان سعید مرتضوی، حسن سلیمانی، سیدمحمدرضا میرتاج‌الدینی، علی دانش منفرد، سیدعباس پاک‌نژاد و آقای صارمی (به عنوان مطلع) و خانم‌ها نیره اخوان بیطرف و فاطمه رهبر تشکیل شود و پس از بررسی پیشنهادهای ارائه شده، نظر کارشناسی کمیته را در این خصوص اعلام کنند.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۷۲۱۲

عنوان گزارش: سومین نشست نمایندگان ناظر در مجامع و دستگاه‌های دولتی - مورخ  
۱۳۸۳/۹/۹ «موضوع: هیأت منصفه»

نام دفتر: هیأت نظارت بر مجامع و دستگاه‌ها  
متقاضی: جهانبخش محبی‌نیا (عضو کمیسیون اقتصادی)

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها:

منابع و مآخذ تهیه گزارش: